

به گفته وزیر اقتصاد و دارایی:

واگذاری سهام عدالت جدید منتفی است



نیست. در واقع این سامانه کمک می کند خودبانک کارها را بر مبنای اعتمادسازی و توانمندی فرد وام گیرنده در این سامانه انجام دهد. سخنگوی کمیسیون اجتماعی درباره موضوع سهام عدالت که در این نشست مطرح شد، عنوان کرد: در این موضوع وزیر اقتصاد اعلام کرد به دلیل اختلاف نظرهایی که وجود دارد، فعلاً دستور توقف واگذاری سهام به اشخاص را دادند تا پس از هماهنگی دولت، مجلس و سران سه قوه تصمیم نهایی در این خصوص گرفته شود. بنابراین موضوع سهام عدالت به دلیل اینکه کمیسیون های تخصصی مجلس هم اجماع داشته و در این زمینه مکاتباتی هم با رئیس جمهور و وزارت اقتصاد داشتند، فعلاً متوقف شده است. رنجبر با اشاره به حضور رئیس سازمان مدیریت اموال و دارایی های دولت در این جلسه، گفت: در این جلسه اعلام شد برنامه های جدیدی برای استانداران در بحث مولدسازی دارند که طبق آن هیأت وزیران تا ۵۰ میلیارد به استانداران اختیار مولدسازی داده است و پیش بینی ها بر این است که تا پایان سال براساس ارائه برنامه خود گمرک تا ۱۰۰ همت بتوانند مولدسازی را انجام دهند. وی خاطرنشان کرد: با توجه به توضیحاتی که رئیس سازمان اموال تملیکی در این جلسه ارائه داد، کارها سرعت بیشتری می گیرد و مولدسازی در سطح استان ها و مرکز با سرعت بیشتری انجام خواهد شد.

به گفته وزیر اقتصاد بدلیل اختلاف نظرهایی که وجود دارد، فعلاً واگذاری سهام عدالت به مشمولان جدید متوقف شده است.

به گزارش تسنیم، فضل اله رنجبر، در توضیح نشست کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی در موضوع سوال ولی داداشی نماینده آستارا در مجلس از علی مدنی زاده وزیر امور اقتصادی و دارایی گفت: در این جلسه نماینده سوال کننده ضمن طرح سوال خود پیرامون موضوع بازنشستگی رئیس گمرک کشور، توضیحاتی ارائه داد.

سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی افزود: وزیر امور اقتصاد و دارایی نیز با بیان اینکه طبق بررسی های انجام شده، رئیس گمرک در فهرست بازنشستگان نیست، اعلام آمادگی کرد اگر مدارک و اسنادی در این رابطه ارائه شود، حتماً پیگیری خواهد شد.

وی اضافه کرد: پس از بررسی بیشتر موضوع و توضیحاتی که سایر نمایندگان ارائه کردند، مقرر شد یک ماه مهلت داده شود که با حضور نماینده سازمان اداری استخدامی کشور، معاون وزیر اقتصاد و نماینده سوال کننده و برخی از اعضای کمیسیون اجتماعی این موضوع با دقت بررسی و نتیجه آن برای تصمیم نهایی در صحت و سقم موضوع به وزیر گزارش شود.

واگذاری سهام به اشخاص متوقف شده است

نماینده مردم کرمانشاه در مجلس شورای اسلامی درباره سازوکار سامانه وثائق (تسهیل در دریافت وام خرد) که در این نشست مطرح شد، گفت: با توجه به اینکه وزیر اقتصاد پیش از این خبر داده بود این سامانه به زودی رونمایی می شود؛ نمایندگان کمیسیون اجتماعی این موضوع را از وزیر پیگیری کردند که وزیر اعلام کرد مقدمات کار فراهم شده است. البته برخی از بانک های بزرگ هنوز به سامانه متصل نشده اند که به زودی این بانک ها هم به سامانه متصل می شوند و سامانه وثائق که یکی از کارهای بسیار ارزشمند برای اعطای وام خرد است، آغاز به کار خواهد کرد.

رنجبر گفت: در سامانه وثائق اعتماد بانک بر مبنای توانمندی های فردی برای ضمانت ها جلب می شود و دیگر نیاز به آوردن نفر و گواهی ها و خیلی مسائل

بن بست تورم؛

چرا قطع استقرار دولت موتور نقدینگی را خاموش نکرد؟

در شرایط ناترازی، بانک ها برای تأمین منابع خرید اوراق و تسهیلات تکلیفی ممکن است به بازار بین بانکی یا در نهایت بانک مرکزی متوسل شوند. سهراب نعمتی، استاد اقتصاد دانشگاه، این روند را نوعی استقرار غیر مستقیم می داند؛ به این معنا که فشار مالی دولت از مسیر ترازنامه بانک ها دوباره به منابع بانک مرکزی منتقل می شود.

هزینه های پنهان انضباط کامل

انتقال فشار مالی دولت به شبکه بانکی تنها بر پایه پولی اثر نمی گذارد. بانک ها بخشی از منابع خود را به خرید اوراق دولتی و اجرای تکالیف اعتباری اختصاص می دهند و در نتیجه منابع کمتری برای بخش خصوصی باقی می ماند؛ وضعیتی که می تواند به «بیرون راندن» بخش خصوصی و تشدید رکود منجر شود.

از سوی دیگر، رقابت بانک ها برای جذب سپرده و جبران کمبود منابع می تواند نرخ سود را افزایش دهد و هزینه تأمین مالی بنگاه ها را بالا ببرد. کارشناسان معتقدند تا زمانی که هزینه های دولت با درآمدهای پایدار مالیاتی و اصلاحات ساختاری بودجه هماهنگ نشود، فشار بر شبکه بانکی ادامه خواهد داشت.

آیا راهکاری برای خروج از این بن بست وجود دارد؟

نخستین گام، اصلاح ناترازی شبکه بانکی و تعیین تکلیف دارایی های سمی و مطالبات غیر جاری بانک هاست. تا زمانی که این مشکل حل نشود، سیاست های انقباضی شدید ممکن است بانک های ضعیف را با بحران نقدینگی مواجه کند. دوم، باید بازار بدهی به گونه ای توسعه یابد که سرمایه گذاران غیر بانکی مانند صندوق ها، شرکت های بیمه و سرمایه گذاران خرد سهم بیشتری در خرید اوراق داشته باشند. با این کار فشار تأمین مالی دولت از روی شبکه بانکی کاهش می یابد.

در نهایت، اصلاح تکالیف بودجه ای و کاهش تسهیلات دستوری نیز ضروری است تا تأمین مالی دولت به قیمت تضعیف شبکه بانکی تمام نشود.

چشم انداز آینده: انضباط مالی یا تکرار سیکل های تورمی؟

کاهش استقرار مستقیم دولت از بانک مرکزی، اگرچه گامی در جهت کنترل پایه پولی است، اما بدون اصلاح ساختار بودجه و شبکه بانکی نمی تواند به تنهایی تورم مزمن را مهار کند. اقتصاد ایران برای شکستن چرخه تورمی، نیازمند انضباط بودجه ای و تعریف هزینه ها بر مبنای درآمدهای واقعی است. بانک مرکزی نیز میان کنترل نقدینگی و جلوگیری از تشدید تنگنای اعتباری بانک ها قرار دارد؛ بنابراین راه حل پایدار، صرفاً سیاست پولی نیست و اصلاح عمیق بودجه و کاهش ناترازی شبکه بانکی رانیز می طلبد.



با مسدودسازی استقرار مستقیم دولت از بانک مرکزی، یکی از موتورهای اصلی رشد پایه پولی مهار شده، اما ناترازی شبکه بانکی همچنان می تواند نقدینگی را به اقتصاد تزریق کند.

به گزارش مهر، سیاست گذار اقتصادی در سال های اخیر با تغییر شیوه تأمین مالی بودجه، تلاش کرده است وابستگی دولت به منابع بانک مرکزی را کاهش دهد. ساماندهی حساب واحد خزانه، کنترل تنخواه و اتکا به بازار بدهی از جمله اقداماتی است که برای محدود کردن رشد پایه پولی انجام شده، اما کارشناسان معتقدند این اقدامات به تنهایی برای ثبات قیمت ها کافی نیست و ناترازی بانک ها همچنان یکی از مسیرهای خلق پول است.

تغییر ریل در تأمین مالی؛ از استقرار تا انتشار اوراق

در گذشته، کسری بودجه در بسیاری از موارد به منابع بانک مرکزی متصل می شد و دولت با استفاده از تنخواه یا خطوط اعتباری، موجب افزایش پایه پولی می شد. اکنون با ساماندهی حساب واحد خزانه و استفاده بیشتر از بازار بدهی، تلاش شده این روند تغییر کند.

مهدی رادهمر، کارشناس بازارهای مالی، در گفت و گو با مهر می گوید دولت به جای استقرار مستقیم از بانک مرکزی، به انتشار اوراق روی آورده است. به گفته او، فروش اوراق به بانک ها و بازار سرمایه عمده تا به معنای جذب نقدینگی موجود است و نسبت به خلق پول جدید، اثر تورمی کمتری دارد.

تله ناترازی؛ وقتی کسری بودجه از پنجره بانک ها وارد می شود

با وجود کاهش استقرار مستقیم، بخش قابل توجهی از اوراق دولتی توسط شبکه بانکی خریداری می شود و بانک ها همزمان با تکالیف مختلف برای پرداخت تسهیلات، از جمله وام های ازدواج، مسکن و تولید، مواجه اند.

سر مقاله

آخرین موتور رشد؟



نیما نامداری / تحلیلگر اقتصاد دیجیتال

● در اقتصادی که جنگ، تحریم، نااطمینانی و کاهش سرمایه گذاری، موتورهای سنتی رشد را یکی پس از دیگری تضعیف کرده اند، اقتصاد دیجیتال شاید مهم ترین حوزه ای باشد که هنوز می تواند رشد اقتصادی قابل توجهی ایجاد کند. تازه ترین برآورد رسمی نشان می دهد سهم اقتصاد دیجیتال ایران در سال ۱۴۰۳ به ۷.۱۴ درصد تولید ناخالص داخلی رسیده است؛ عددی که از ظرفیتی حکایت می کند که در صورت سرمایه گذاری درست، می تواند نقشی مشابه سرمایه گذاری های هوش مصنوعی در رشد اخیر اقتصاد آمریکا ایفا کند. بر اساس آماری که معاون وزیر ارتباطات با استناد به اندازه گیری های مرکز آمار و وزارت ارتباطات اعلام کرده، سهم اقتصاد دیجیتال از ۴.۴۹ درصد در سال ۱۴۰۰ به ۷.۱۴ درصد در سال ۱۴۰۳ رسیده است؛ یعنی طی سه سال ۲.۶۵ واحد درصد و در مقیاس نسبی حدود ۵۹ درصد افزایش یافته است. البته این عدد «ارزش افزوده» اقتصاد دیجیتال است و نباید با حجم معاملات پلتفرم ها، فروش اینترنتی یا ارزش بازار شرکت های فناوری اشتباه گرفته شود. مقایسه با دیگر بخش های اقتصاد، اهمیت این تحول را روشن تر می کند. بر اساس گزارش بانک مرکزی، کل اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۳ به قیمتهای ثابت سال ۱۴۰۰ حدود ۲۰.۱ درصد رشد کرد. رشد کشاورزی ۳.۶ درصد، نفت و گاز ۴.۶ درصد، صنایع و معادن ۲.۴ درصد و خدمات ۳.۳ درصد بود. خدمات با سهم ۱.۶ واحد درصدی، بیشترین نقش را در رشد اقتصادی آن سال داشت؛ صنایع و معادن ۰.۸ واحد درصد و کشاورزی و نفت هر کدام ۰.۴ واحد درصد در رشد ۳ درصدی اقتصاد سهم داشتند.

این ارقام مستقیماً با افزایش سهم اقتصاد دیجیتال قابل مقایسه نیستند؛ زیرا ارقام بخشی، نرخ رشد واقعی یک ساله اند، اما تغییر ۴.۴۹ به ۷.۱۴ درصد، افزایش سهم اقتصاد دیجیتال طی سه سال را نشان می دهد. باین حال، جهت حرکت کاملاً معنادار است: در دوره ای که رشد سالانه بخش های اصلی اقتصاد عمدتاً در محدوده ۲ تا ۵ درصد باقی مانده، وزن اقتصاد دیجیتال در کل اقتصاد نزدیک به ۵۹ درصد افزایش یافته است. به بیان دیگر، اقتصاد دیجیتال سریع تر از متوسط اقتصاد بزرگ شده و سهم بیشتری از یک اقتصاد را به خود اختصاص داده است.

اقتصاد دیجیتال فقط مجموعه ای از استراتژیاپ هانیست. این اقتصاد سه لایه دارد: هسته دیجیتال، شامل ارتباطات و فناوری اطلاعات؛ اقتصاد پلتفرمی، مانند تجارت الکترونیک، حمل و نقل و خدمات مالی آنلاین و دیجیتالی شدن صنایع سنتی. اهمیت لایه سوم از همه بیشتر است: زیرا فناوری می تواند بهره وری بانک، کارخانه، فروشگاه، حمل و نقل، کشاورزی و دولت را افزایش دهد. ترکیب رشد اقتصاد دیجیتال، در عین حال یک هشدار جدی دارد. سهم هسته دیجیتال از تولید ناخالص داخلی از ۰.۷۹ درصد در سال ۱۴۰۰ به ۰.۷۴ درصد در سال ۱۴۰۳ کاهش یافته است. در نتیجه، سهم هسته از کل اقتصاد دیجیتال از حدود ۱۷.۶ درصد به نزدیک ۱۰.۴ درصد رسیده است. در مقابل، سهم دو لایه دیگر روی هم از ۲.۷ درصد به حدود ۶.۴ درصد افزایش یافته است؛ رشدی نسبی نزدیک به ۷۳ درصد. به زبان ساده، مردم و کسب و کارها بسیار دیجیتالی تر شده اند، اما زیرساخت ارتباطی و ظرفیت تولید فناوری با همان سرعت توسعه پیدا نکرده است.

مرحله بعدی باید تبدیل «مصرف دیجیتال» به «بهره وری دیجیتال» باشد. ارزش واقعی فناوری زمانی ایجاد می شود که یک بانک فرایند چند هفته ای اعتبارسنجی را به چند دقیقه کاهش دهد، کارخانه ای با تحلیل داده خرابی تجهیزات را پیش بینی کند یا پلتفرمی با همان منابع قبلی خدمات بیشتری ارائه دهد. بخش مهمی از این ارزش نیز در حساب های ملی در صنعت، بانکداری یا حمل و نقل ثبت می شود؛ بنابراین اثر واقعی اقتصاد دیجیتال از سهم مستقیم ۷.۱۴ درصدی آن بزرگ تر است.

تجربه آمریکا اهمیت این موضوع را نشان می دهد. برخی برآوردهای تحلیلی درباره نیمه نخست سال ۲۰۲۵ نشان می داد سرمایه گذاری در نرم افزار، تجهیزات پردازشی و مراکز داده حدود یک واحد درصد به رشد سالانه شده اقتصاد آمریکا افزوده است. این ارقام شاخص رسمی مستقلی برای «سهم هوش مصنوعی» نیستند؛ اما نشان می دهند حوزه ای نسبتاً کوچک، اگر با موج سرمایه گذاری مواجه شود، می تواند بخش بزرگی از رشد اقتصاد را بسازد. اگر اقتصاد دیجیتال ایران با سهم فعلی خود سالانه ۱۰ درصد رشد واقعی کند، اثر مستقیم آن بر رشد کل اقتصاد حدود ۰.۷ واحد درصد خواهد بود؛ بدون محاسبه افزایش بهره وری سایر صنایع. در شرایطی که جنگ به سرمایه گذاری، تجارت و زیرساخت ها آسیب زده و تحریم دسترسی به سرمایه و فناوری جهانی را محدود کرده است، شاید اقتصاد دیجیتال تنها حوزه ای باشد که بتواند با سرمایه گذاری نسبتاً کمتر، رشدی سریع و فراگیر ایجاد کند.

سیاست گذار باید اقتصاد دیجیتال را بخشی از راهبرد رشد کشور بداند، نه صنعتی حاشیه ای. اینترنت پایدار و آزاد، توسعه زیرساخت ارتباطی و پردازشی، ثبات مقررات، دسترسی به سرمایه، حفظ نیروی متخصص و ارتباط با فناوری و بازارهای جهانی، پیش شرط های این رشدند. مساله امروز ایران دیگر دیجیتالی کردن جامعه نیست؛ این تحول تا حد زیادی رخ داده است. مساله اصلی این است که آیا اجازه می دهیم از آن بهره وری و رشد اقتصادی ساخته شود یا یکی از آخرین ظرفیت های رشد کشور نیز به تدریج فرسوده خواهد شد.